

علم در آیات و روایات از دیدگاه امام (ره)



دکتر نهله غروی نائینی

چکیده

علم این موهبت و هدیه گرانبهای الهی به بشریت، که به وسیله آن انسان‌ها بر همه مخلوقات الهی برتری یافتند، موضوعی است که قرآن کریم و رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) همواره انسان‌ها را به آن توجه داده و اهمیت و عظمت آن را گوشزد کرده‌اند.

امام خمینی (ره) نیز با الهام از آیات قرآن کریم و سخنان گهربار معصومان (ع)، سخن‌های نغز و مهمی ارائه کرده که این مقاله به آن پرداخته و به این نتیجه رسیده است که ایشان بر فرمایش رسول گرامی اسلام (ص) که فرمودند: «مهم‌ترین و باارزش‌ترین علم، علم به الله و توحید الهی، علم به اصول عقاید، علم به احکام، و اخلاق است و سایر علوم در صورت سودمند بودن در تقویت ایمان باارزشند»، تأکید داشته است.

کلیدواژه: علم، اولو العلم، طالبان علم

مقدمه

علم و دانش از موهبت‌های الهی و بهره‌های پرارزش انسانی است، و از مشخصه‌ها و برتری‌های فرزندان آدم در میان مخلوقات الهی به‌شمار می‌رود. در



بیان اهمیت و ارزش علم و عالم، رهبران دینی و علمای الهی سخنان حکمت آموزی گفته‌اند.

پیامبر اکرم (ص) پرچمدار علم و معرفت و رسول وحی الهی نیز فرمود:
إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةُ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَخَلَاهُنَّ فَهَوُ
فَضْلٌ^۱، علم سه قسم است، نشانه‌ای محکم و استوار (عقاید)، واجب
راست (احکام)، سنت پابرجا (اخلاق) و غیر اینها زیادی است.

فقیه و عالم معاصر، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی (ره) نیز با الهام
از آیات قرآن کریم و سخنان گهربار معصومان (ع)، سخنان با ارزش و مهمی درباره
علم، در کتب حدیثی خود و نیز در سخنرانی‌های مختلف ارائه کرده که این مقاله به آن
پرداخته است و بر اساس فرمایشات ایشان مجموعه‌ای از گفتار و نوشتار ایشان را به
صورت ذیل دسته‌بندی کرده است:

الف) تعریف و اهمیت علم

قرآن کریم و روایات ائمه معصومان (ع) توجهی خاص به این اصل بنیادی جهان
هستی یعنی علم و معرفت دارند، آیات قرآن کریم آموزش علم به انسان را به خداوند
نسبت می‌دهد و حتی به ابزار نوشتن قسم یاد می‌کند. گفتار معصومان (ع) نیز در
ارزش علم و عالم و فواید آن بسیار است.

امام (ره) به روش خویش به بیان و تعریف و توضیح مفهوم علم و اهمیت آن از
دیدگاه قرآن و احادیث پرداخته، که در جای خود بسیار دقیق و عالمانه است. و در
یک تقسیم‌بندی و با استفاده از حدیث گرامی رسول اکرم (ص) علم را به سه قسم بیان
کرده است: (آیه محکم) که همان عقاید و جهان‌بینی انسان است و (فریضه عادلّه) یا
واجبات راست، که اصول و احکام است و (سنت قائمه) که منظور اخلاق و رفتار
انسانی است.

امام (ره) علم را از سربازان عقل دانسته و می‌نویسد:

علم غیر از عقل است، زیرا عقل در انسان مجرد است و مقابل آن قوه و اهمه

است که آن نیز مجرد می‌باشد، البته تجرّدی غیر تجرّدی عقلی است.^۲

سپس ایشان با نقل قول حکیم فرزانه، ملاصدرا در رابطه با شؤون عقل و جهل،

می فرماید:

علم و جهل در این مقام، از شؤون آن دو حقیقت یعنی (عقل و قوه واهمه) است، پس شأن عقل علم است، زیرا که عقل حقیقت مجردة غیر محجوبه است و به برهان پیوسته، این حقیقت، عاقل و عالم است. ۳. ایشان در اهمیت علم از دیدگاه قرآن کریم می نویسد:

چنانچه در تشریح آدم (ع) قرآن می فرماید: وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا (بقره، ۳۱/۲) در اینجا تعلیم اسما را سبب تقدّم او بر صنوف ملائکه اللّه قرار داد. و فضل او - انسان - را بر ملکوتیان به دانش و علم و تعلّم اسما اثبات فرمود و اگر چیزی در این مقام از حقیقت علم بالاتر بود، خدای تعالی به آن تعجیز فرمود ملائکه را، و تفضیل داد ابوالبشر را. ۴.

از این مطلب معلوم می شود که تعلیم اسما از طرف خدای متعال به جناب آدم ابوالبشر (ع) از همه علوم بالاتر بوده و به همین دلیل علم به حقایق اسما و آموختن آن از طریق براهین و مفاهیم و کلیات امکان پذیر نیست و برای هر کس حاصل نمی شود. و در فرازی دیگر از سخنان امام (ره) و با اشاره به اولین آیات کریمه نازل شده از آسمان یعنی، آیات اولیه سوره علق که می فرماید: **إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم.** (علق، ۱/۹۶-۵) در رابطه با اهمیت بی نظیر و بی همتای علم مطالب باارزشی مطرح کرده، و این آیات شریفه را دلیل بر پیشوایی علم بر تمامی فضایل می دانند که خلاصه آن چنین است: ۵. ۱. آن که در بدو نزول وحی و مفتح کتاب کریم خود، پس از نعمت خلقت، نعمت علم را گوشزد رسول خود فرمود. پس اگر فضیلتی بالاتر از علم متصور بود، مناسب بود آن را فرموده باشد.

۲. آن که وجه تناسب بین آیات شریفه در این سوره آن است که مقام قدرت خود را می خواهد گوشزد کند که از یک ماده کثیفه متعنه، یک موجود شریف عالمی خلق فرمود که اشرف کائنات است و اگر علم اشرف فضائل انسانی نباشد، در این مقام ذکر آن مناسب نباشد.

۳. حضرت امام (ره) با اشاره به تفسیر فخر رازی که می نویسد:

حق تعالی در این آیات، خود را به اکرمیت توصیف فرموده و تعلیم را بر آن

مرتب فرموده^۶، می نویسد: پس معلوم می شود اَکْرَمِیتِ حق تعالی برای تعلیم علم است و اگر چیزی افضل از علم بود، مناسب بود در این مقام ذکر شود.^۷

۴. همچنین در این آیه شریفه، خلقت انسان به ربّ محمد (ص) نسبت داده، و ربّ محمد (ص) چنانچه در علم اسما مقرر است اسم جامع اعظم است و این اسم اعظم مبدأ خلقت انسان کامل است و خدای تبارک و تعالی از غایت تشریف علم و عظمت آن، خلقت او را نیز به ربّ محمد (ص) نسبت داده که این نشانه شرف و عظمت علم است.^۸

امام (ره) در رابطه با اهمیت علم و این که جهان وجود، جهان علم و معرفت است و تمامی موجودات از ذره های کوچک جمال تا نبات و حیوان و انسان، خالی از علم نیستند و به اندازه وجودی خود از علم بهره مند هستند، مطالب فراوانی مطرح کرده، به قرآن کریم اشاره دارد و می نویسد:

در قرآن کریم حق تبارک و تعالی در بسیاری از آیات به صراحت، علم موجودات و تسبیح آن ها را از ذات مقدس حق اعلام فرموده است. و بالجمله، علم و خصوصاً علم به الله و اسما و صفات و آیات ذات مقدس و علم به آنچه مربوط است با حق تعالی از اعظم فضایل است و هم چنین علم به طرق براهین و فنون استدلالات و علم به مهلکات و منجیات و علم به سنن و آداب و شریعت مطهره الهیه از مطلوبات غیریه است که به واسطه آن ها علم به الله حاصل شود، چه تمام علوم و شرایع حقّه و اعمال موظفه و آنچه مربوط به علم ادیان است، یا اولاً و بی واسطه، یا ثانیاً و بالواسطه، به علم به الله بر می گردد.^۹

سپس به اهمّ کتب حدیثی که به مسأله علم و اهمیت آن پرداخته، اشاره کرده و می نویسد:

از جمله این کتب حدیثی: اصول کافی، ج ۱، کتاب فضل العلم؛ و کتاب بحار الانوار، ج ۲، ص ۱-۲۵ و کتاب مئنه المرید فی آداب المفید و المستفید، مرحوم شهید ثانی (ره) و غیره که باید به این کتاب های با ارزش مراجعه شود.

ب) ماهیت علم

بیان این که ماهیت علم چیست و معنای علم در کلام معصومان (ع) کدام است،

امام (ره) به روایتی که در کتاب کافی از امام کاظم (ع) از رسول الله (ص) نقل شده استناد می‌کند. شاید فرمایش حضرت از مهم‌ترین سخنانی است که در آن پیامبر گرامی اسلام (ص) حد و حدود علم و ماهیت آن را بیان فرموده است. متن حدیث نقل شده از کتاب کافی چنین است:

عن ابی الحسن موسی (ع) قال: دخل رسول الله (ص) المسجد فإذا جماعة قد أطافوا برجل، فقال: ما هذا؟ فقيل: علامة، فقال و ما العلامة؟ فقالوا له: أعلم الناس بأنساب العرب و وقائعها و أيام الجاهلية و الاشعار العربية، قال: فقال النبي (ص): ذاك علم لا يضر من جهله و لا ينفع من علمه، ثم قال النبي (ص): إنما العلم آية محكمة أو فريضة عادلة أو سنة قائمة، و ما خلاهن فهو فضل. ١٠

ترجمه: رسول الله (ص) وارد مسجد شد، جماعتی را مشاهده فرمود که اطراف مردی حلقه زده‌اند، حضرت (ص) فرمود: این کیست؟ گفته شد: ایشان علامه است. فرمود (ص): علامه است، یعنی چه؟ گفتند: او داناترین مردم به معرفت اصل و نسب‌های عرب و دانا به وقایع روزگار (جاهلیت) و اشعار عربی است، همه اینها را خوب می‌داند. پیامبر (ص) فرمودند: این علمی است که از ندانستن آن و جهل به آن ضرر و زبانی نرسد و از علم آن سودی حاصل نشود. همانا علم منحصر به سه چیز است: آیه محکمه یا فریضه عادله و یا سنت قائمه: یعنی (نشانه استوار، یا واجب است و یا سنت پابرجا) و غیر از اینها زیادت است. ١١

حضرت امام (ره) در توضیح این حدیث شریف، کلام مفصلی دارند، که به دلیل اهمیت آن، خلاصه‌ای از آن را بیان می‌کنیم:

بدان که پیش از این ذکر شد که انسان به طور اجمال و کلی دارای سه نشئه و صاحب سه مقام و عالم است: اول: نشئه آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت و عقل. دوم: نشئه برزخی و عالم توسط بین العالمین و مقام خیال. سوم: نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت است. و از برای هر یک از اینها کمال خاصی و تربیت مخصوصی است و عملی مناسب با نشئه و مقام خود است و انبیا (ع) متکفل دستور آن اعمال هستند. پس کلیه علوم نافع منقسم

شود به این سه علم: علمی که مربوط است به کمالات عقلیه و وظایف روحیه، و علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظایف آن، و علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظایف نشئه ظاهری نفس است.^{۱۲}

سپس امام (ره) در توضیح مطالب خویش در بخشی دیگر، می افزاید:

اما علمی که تقویت و تربیت عالم روحانیت و عقل مجرد را کند، علم به ذات مقدس حق و معرفت اوصاف جمال و جلال و علم به عوالم غیبیه تجردیه از قبیل ملائکه و اصناف آن، از اعلی مراتب جبروت اعلی و ملکوت اعلی تا اخیره ملکوت اسفل و ملائکه ارضیه و جنود حق - جل و علا - و علم به انبیا و اولیا و مقامات و مدارج آنها و علم به کتب منزله و کیفیت نزول وحی و تنزل ملائکه و روح، و علم به نشئه آخرت و کیفیت رجوع موجودات به عالم غیب و حقیقت عالم برزخ و قیامت و تفصیل آنها و بالجمله علم به مبدأ وجود و حقیقت و مراتب آن و بسط و قبض و ظهور و رجوع آن. و متکفل این علم پس از انبیا و اولیا (ع) فلاسفه و اعاضم از حکما و اصحاب معرفت و عرفان هستند. و علمی که راجع به تربیت قلب و ارتیاض آن و اعمال قلبیه است، علم به مُنجیات و مهلکات خلقیه است. یعنی علم به محاسن اخلاق مانند صبر و شکر و حیا و تواضع و رضا و سخاوت و شجاعت و زهد و ورع و تقوی و دیگر از محاسن اخلاق... و علم به کیفیت و تحصیل آنها و اسباب حصول آنها و مبادی و شرایط آنها، و علم به قبایح اخلاق از قبیل حسد و کبر و ریا و حقد و غش و حب ریاست و جاه و حب دنیا و نفس و غیر آن، و علم به مبادی وجود آنها و علم به کیفیت تنزه از آنها. و متکفل این نیز پس از انبیا و اوصیاء (ع) علمای اخلاق و اصحاب ریاضات و معارفند.

و علمی که راجع به تربیت ظاهر و ارتیاض آنست، علم فقه و مبادی آن و علم آداب معاشرت و تدبیر منزل و سیاست مُدُن است که متکفل آن علمای ظاهر و فقها و محدثین هستند پس از انبیا و اوصیاء (ع)، و باید دانست که هر یک از این مراتب سه گانه انسانی که ذکر شد به طوری به هم مرتبط اند که آثار هر یک به دیگری سرایت می کند چه در جانب کمال یا طرف نقص. مثلا اگر کسی قیام به وظایف عبادیه و مناسک ظاهریه - چنانچه باید و مطابق

دستورات انبیا است- نمود از این قیام به وظایف عبودیت تأثیراتی در قلب و روحش واقع شود که خلقتش رو به نیکویی و عقایدش رو به کمال گذارد. و همین طور اگر کسی مواظب تهذیب خلق و تحسین باطن شد، در دو نشئه دیگر نیز مؤثر شود. چنانچه کمال ایمان و احکام عقاید تأثیر در دو مقام دیگر می نماید و این از شدت ارتباطی است که بین مقامات است. ۱۳

امام (ره) هم چنین در فصلی دیگر و در توضیح حدیث بالا می نویسد:

پیامبر گرامی (ص) در این حدیث شریف، علوم را به سه قسم تقسیم نمودند و هیچ شکی نیست که این علوم ثلاثه راجع به این مراتب (انسانی) ثلاثه است. چنانچه علوم متداوله در کتب انبیا (ع) و سنن آنان و اخبار معصومین (ع)، شهادت به این مدعا می دهند. یکی علم به الله و ملائکه و کتب و رسل و یوم الاخرة، که کتب سماویّه و بالاخص کتاب جامع الهی و قرآن کریم ربوبی مشحون از آن است. بلکه می توان گفت: تنها چیزی که در کتاب خدا بیشتر وجود دارد همین علم است. و دعوت به مبدأ و معاد است به طریق برهان صحیح و بیان کامل که محققین شرح آن را فرمودند....

و نیز احادیث مربوط به فقه و مناسک ظاهره نیز محتاج به ذکر نیست که جمیع کتب ما مملو از آن است. پس معلوم شد علوم شریعت منحصر به این سه قسم است، و طبق احتیاجات بشر و مقامات ثلاثه انسانیت ظاهر می گردد....

حال باید بدانیم هر یک از این سه قسم بر کدام علوم منطبق است؟ بدان که، «آیه محکمه» عبارت است از علوم عقلیه و حقایق حقه و معارف الهیه، و «فریضة عادله» عبارت است از علم اخلاق و تصفیه قلوب، و «سنت قائمه» عبارت است از علم ظاهر و علوم آداب قالیه. ۱۴

امام (ره) در رابطه با این مطلب که موضوع علم انبیا (ع) چه بوده است؟ می فرماید:

علم همه انبیا، موضوعش انسان است... بسم الله الرحمن الرحیم، اقرأ باسم ربك الذي خلق. خلق الانسان من علق. اقرأ وربك الاكرم. الذي علم بالقلم. علم الانسان ما لم يعلم؛ (علق، ۵-۱/۹۶) تمام انبیا موضوع بحثشان، موضوع تربیتشان، موضوع علمشان انسان است...

فقه تنها، فلسفه تنها، علم توحید تنها، تا مقرون به اسم رب نباشد، فایده ندارد: اقرا باسم ربک. ۱۵

ج) جایگاه اولوا العلم

و از جمله گفتارهای بارزش امام (ره) درباره علم و اهمیت آن و تبیین مقام بارزش دانشمندان، توضیحات ایشان در رابطه با آیه کریمه ۱۸۰ سوره آل عمران است که در آن بیانات زیبایی درباره صاحبان علم (اولوا العلم) دارند. ایشان می نویسند:

از آیاتی که غایت شرف علم و فضیلت آن را مدلل می کند، آیه شریفه شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولو العلم؛ (آل عمران، ۱۸/۳) است، که خداوند متعال شهادت اولوا العلم را قرین با شهادت خود و ملائکه قرار داده.

سپس امام با توجه به تفسیر محی الدین عربی^{۱۶} در تفسیر همین آیه شریفه در بیان شهادت الله می نویسد:

اصل قرین بودن گرچه فضیلت عظیمی است ولی در کیفیت شهادت نیز شاید قرین باشند و این از غایت کمال و عظمت است، زیرا که شهادت حق - تعالی شأنه - فقط شهادت قولی نیست، چنانچه شهادت ملائکه نیز شهادت قولی محض نیست بلکه این شهادت ذاتی است که نفس کمال وجود دلیل بر وحدت است. بنابراین برای اولوا العلم نیز مقام صرافت وجود ثابت شده است. و این کمالی است که فوق آن، کمالی نیست.^{۱۷}

اما در رابطه با این که راسخان در علم چه کسانی هستند و قرآن کریم چه گروهی را، راسخ در علم می داند؟ معلوم است که راسخان، یعنی همان هایی که خدا علم تأویل را به آنها آموخت، امام (ره) در این زمینه چنین توضیح می دهد:

و خداوند متعال، علم تأویل قرآن را پس از ذات مقدس خود به راسخین در علم اختصاص داده، چنانچه فرموده است: وما يعلم تأويله إلا الله والراسخون فی العلم. (آل عمران، ۷/۳)

امام (ره) در تفسیر و توضیح آیه می فرماید:

در این آیه، خداوند خواصی را برای علم و ماهیت آن و فضایی برای اهل علم همچون ایمان و توحید و خشیت و خضوع و خشوع و امثال آن مقرر

فرموده، که تمامی آن در قرآن شریف مذکور است.

در جای دیگر، امام با استنباط از آیات قرآن مجید، فضایل و ارزشهایی را برای اهل علم و راسخان در علم مطرح کرده است از جمله:

۱. اولین و شاید مهم ترین فضیلت راسخان در علم، ایمان به خدای قادر و متعال باشد، چنانچه، در آیه شریفه آمده است: **و الراسخون فی العلم یقولون آمنا.** (آل عمران/۷)

۲. ویژگی مهم و با ارزش دیگر صاحبان علم، چنانچه در آیه سوره مبارکه آل عمران اشاره شد، توحید و یکتاپرستی است، خداوند متعال می فرماید: **شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولو العلم.**

۳. ویژگی سوم «صاحبان علم» واقعی، خوف و خشیت است، چنانچه آیه شریفه: **إنما یخشى الله من عباده العلماء.** (فاطر، ۲۸/۳۵) اشاره دارد.

۴. خضوع و خشوع و فروتنی، خصوصیت دیگری است برای صاحبان علم با استنباط از آیه شریفه: **إن الذین أوتوا العلم من قبله... ینسجون و یزیدهم خشوعا.** (اسراء، ۱۷/۱۰۷-۱۰۹). و نیز در آیه ۱۰۷ اسراء که می فرماید: **... إن الذین أوتوا العلم من قبله إذا یتلى علیهم ینخرون للأذقان سجدا.**

امام (ره) در رابطه با مسئولیت خطیر علما نسبت به احساس خطر کردن به قرآن و اسلام، می فرماید:

علمای اسلام وظیفه دارند هر وقت برای اسلام و قرآن احساس خطر کردند به مردم مسلمان گوشزد کنند تا در پیشگاه خداوند متعال مسئول نباشند.^{۱۸}

د) اهمیت و جایگاه طالبان علم

امام (ره) در کیفیت حصول علم نزد انسان ها و تقسیم بندی طالبان آن، از کتاب شریف کافی حدیث مفصلی را نقل می کند و می فرماید:

کلینی از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمودند: **طلبة العلم ثلاثة فإعرفهم بأعیانهم و صفاتهم: صنف یطلبه للجهل و المراء و صنف للاستطالة و الختل و صنف یطلبه للفقہ و العقل. فصاحب الجهل و المراء، مود، ممار، متعرض للمقال فی أندية الرجال بتذاکر العلم و صفة الحلم. قد تسربل بالخشوع و**

تخلی من الورع فدق الله من هذا خيشومه... تا آخر حدیث شریف. ۱۹ ترجمه: طلب کنندگان علم سه دسته اند، پس بشناس آنها را به شخصیات و صفاتشان. یک صنف طلب می کنند آن را برای جهل و جدال. و یک صنف طلب می کنند آن را برای رفعت جستن و فریب دادن. و یک صنف طلب می کنند آن را برای دانش و بینش. پس دارای جهل و جدال، آزار دهنده و جدل کن است، با شرکت در انجمن مردان گفتگو کننده درباره علم و دانش، ایشان پیراهن فروتنی پوشیده، در حالی که از پرهیزگاری تهی گردیده است. پس بگوید خداوند از این روی بینی او را، و دو تا کند کمر او را.

و صاحب فریب و چاپلوسی، بلندی جوید بر مثل خود از شبیهان خویش، و فروتنی کند در برابر ثروتمندان از غیر خود. پس او حلوائ آنان را می خورد، و دین خود را می شکند. پس کور کند خداوند بر این جهت بینایی او را، و جدا کند از نشانه های دانشمندان نشانه او را.

و کسی که دارای دانش و بینش راستین است. دارای شکستگی و اندوه، و شب زنده داری است، حنک «دنباله عمامه» بندد بر کلاه خود و برخیزد در تاریکی شب، عمل می کند و می ترسد آن چنان ترسی، دعا کننده و بر حذر است، رو آورنده بر شأن خویشان است، مردم زمان خویش را می شناسد و از موثق ترین برادران خود بیم و وحشت دارد. پس از این روی، خداوند محکم کند پایه های او را و در روز رستاخیز ببخشاید به او امان خود را. ۲۰

چنانچه ملاحظه می شود در این حدیث بلند و شریف تقسیم بندی علما مطرح شده که در نهایت، امام (ع) قسم سوم از علما - آنهایی که علم و دانش و معرفت را برای خود علم و برای تفقه و تعقل در دین و آیین الهی می خواهند نه برای فخر فروشی و تکبر - پذیرفته و تأیید کرده است.

امام (ره) در پایان این بخش از گفتار خویش حدیثی از مولای متقیان علی (ع) در رابطه با اهمیت علم و فضیلت آن از کتاب کافی روایت می کند، که به دلیل اهمیت آن در اینجا نقل می کنیم:

حدیث شریف «کافی» که سند آن به جناب ابوبصیر می رسد و او می گوید که از امام صادق (ع) شنیدم فرمود: «امیر المؤمنین (ع) می فرمود: یا طالب العلم

إن العلم ذو فضائل كثيرة: فرأسه التواضع وعينه البرأة من الحسد و أذنه الفهم و لسانه الصدق و حفظه الفحص و... ای دانشجو همانا دانش امتیاز بسیاری دارد (اگر به انسان کاملی تشبیه شود) سرش تواضع، چشمش دوری از حسد، گوشش فهمیدن، زبانش راست گفتن، حافظه اش کنجکاوی، دلش حسن نیت، خردش شناخت اشیا و امور، دستش رحمت، پایش دیدار علما، همتش سلامت، حکمتش پرهیزگاری، قرارگاهش رستگاری، جلو دارش عافیت، مرکبش وفا، اسلحه اش نرم زبانی، شمشیرش رضا، کمانش مدارا، لشکرش گفتگوی با علما، ثروتش ادب، پس اندازش دوری از گناهان، توشه اش نیکی، آشامیدنی اش سازگاری، رهبرش هدایت، و رفیقش دوستی نیکان است. ۲۱

ه) رابطه علم و عمل

امام (ره) درباره ارتباط تنگاتنگ علم و عمل می نویسد:
تکلیف است که علم بیاموزیم و عمل کنیم، همه مسلمانان تکلیفشان این است که هم علم پیدا کنند و هم عمل کنند. ۲۲
و در جای دیگر می فرماید:

علم تنها اثر ندارد بلکه گاهی مضر است. عمل بدون علم، علم بی نتیجه است. علم و عمل دو بالی است که انسان را به مقام انسانیت می رساند، علم به همه شؤون و عمل، عمل نفسانی، عمل جسمانی، عمل عقلانی، انسانی را به مراتب انسانیت می رساند. ۲۳

و) رابطه علم با ایمان و تزکیه

امام (ره) در رابطه علم با تزکیه و ایمان می گوید:
علم بدون ایمان منشأ بسیاری از شقاوت ها است، اگر روحانی علم داشته باشد لکن ایمان نداشته باشد، مسیرش مسیر انبیا نباشد، منشأ مفاسد بسیار می شود. ۲۴
در مورد این که همراه علم چه چیزی باید آموخت تا علم کامل شود، امام (ره) طی



سخنانی می فرماید:

در خلال تحصیل علم، تقوی تحصیل کنید، مهذب بشوید، اخلاقتان را مهذب کنید... (اما) علم باید بر طبق کتاب و سنت باشد. ۲۵

و در جای دیگر در سخنانی نغز و عالمانه، امام (ره) در تأکید مکرر بر تهذیب نفس در کنار علم و دانش که اگر چنین نباشد این علم مضرّ است، می فرمایند:

باید آقایان همان طوری که در تحصیل علم کوشا هستند، در تهذیب اخلاق، در اعمال، در عقاید و در فضایل اخلاقی کوشا باشند که علم بدون عمل و بدون تقوی، بسیاری از اوقات مضرّ است. ۲۶

و در پاسخ به سؤالی نوشتند:

سرگرمی به علوم حتی عرفان و توحید اگر برای انباشتن اصطلاحات است - که هست - و برای خود این علوم است؛ سالک را به مقصد نزدیک نمی کند که دور می کند (العلم هو الحجاب الاکبر) و اگر حق جویی و عشق به او انگیزه است که بسیار نادر است؛ چراغ راه است و نور هدایت؛ (العلم نور یقذفه اللّٰه فی قلب من یشاء) و برای رسیدن به گوشه ای از آن؛ تهذیب و تطهیر و تزکیه لازم است؛ تهذیب نفس و تطهیر قلب از غیر او؛ چه رسد به تهذیب از اخلاق ذمیمه که رهیدن از آن بسیار مجاهده می خواهد و....

در سخنان دیگری باز امام (ره) بر علم در کنار تزکیه نفس تأکید دارد. ایشان ریشه تمام فسادها را در علم بدون تزکیه می داند زیرا که قرآن حامل علم بدون تزکیه و تربیت را به حماری، تشبیه کرده که بارش کتاب است. تهذیب نفس و تطهیر قلب از غیر او چه رسد به تهذیب از اخلاق ذمیمه که رهیدن از آن بسیار مجاهده می خواهد و....

تمام ادیان باطله را علما اختراع کرده اند، دانشمندان اختراع کرده اند، برای این که علم وارد شده بود در جایی که پرورش نداشته، تزکیه نشده، این عالم که حامل علم است و مزکی هم نیست خطرناک می شود. برای جامعه فرقی نیست مابین علمای دانشگاهی و غیره. اگر در حوزه های علمیه و همین طور در دانشگاه ها تزکیه نباشد، این علم هایی که در آنجا انباشته می شود، یک انباری است که خدای متعال این تعبیر را فرمود: *مثل الذین حملوا التوریه ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل أسفاراً*. (جمعه، ۵/۶۲) و صف حال آنان که تحمل علم تورات کرده

سپس خلاف آن عمل نمودند در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد. ۲۷

در تأیید همین مطلب دست خطی از آن پیر سفر کرده در پاسخ یکی از شاگردانش که اسم های کتب عرفانی را پرسیده بود؛ می یابیم که نوشت:

(در رفع حجب کوش نه در جمع کتب)، گیرم کتب عرفانی و فلسفی را از بازار به منزل و از محلی به محلی انتقال دادی و... و خدای نخواستہ غرور علم و عرفان به سراغت آمد که خواهد آمد؛ آیا با این محموله های بسیار به حجب افزودی یا از حجب کاستی؟ خداوند - عزوجل - برای بیداری علما این آیه شریفه را آورده است { اشاره به آیه فوق است } تا بدانند انباشتن علوم - گرچه علم شرایع و توحید باشد - از حجب نمی کاهد بلکه افزایش دهد. نمی گویم از علم و عرفان و فلسفه بگریز و با جهل عمر بگذران، که این انحراف است. می گویم کوشش و مجاهده کن که انگیزه الهی و برای دوست باشد و اگر عرضه کنی؛ برای خدا و تربیت بندگان او باشد نه برای ریا و خودنمایی که خدای نخواستہ جزء علمای سوء شوی که بوی تعفنشان اهل جهنم را بیازارد. ۲۸.

سخن آخر

امام خمینی (ره) درباره اهمیت علم و فضیلت آن، سخنان فراوانی و با زبان های مختلف فلسفی، عرفانی و معمولی دارند که در این مقاله کوتاه اشاره گذرا به بعضی از سخنان کردیم که امید است مورد توجه قرار گیرد، امام (ره) می فرمایند:

بدان که علم، از افضل کمالات و اعظم فضایل است. چه که آن از اشرف اسماء الهیه و از صفات موجود بما هو موجود است، و نظام وجود و طراز غیب و شهود به برکت علم منتظم شده و هر موجودی تحققش به این حقیقت شریفه زیادتیر بود، به مقام مقدس حق و مرتبه قدس واجبی نزدیک تر است. بلکه علم و وجود، مساوی هستند. و هر جا شعاع هستی افتاده به همان اندازه شعاع نور علم افتاده است. از این جهت خلواز تمام حقیقت علم، خلواز تمام حقیقت وجود است و خالی از آن معدوم مطلق است. ۲۹.



۱. کلینی، اصول کافی، جلد ۱، باب ۳ از کتاب فضل علم.
۲. امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل/ ۲۵۷.
۳. ملاصدرا، الاسفار الاربعه، ۳/ ۴۴۷.
۴. شرح حدیث جنود عقل و جهل/ ۲۶۳.
۵. همان/ ۲۶۴.
۶. فخر رازی، تفسیر کبیر، ۲/ ۱۸۶.
۷. شرح حدیث جنود عقل و جهل/ ۲۶۴.
۸. همان/ ۲۶۴.
۹. همان/ ۲۶۱.
۱۰. کافی، ۱/ ۳۲، کتاب فضل العلم.
۱۱. امام خمینی، شرح چهل حدیث/ ۳۲۵.
۱۲. همان/ ۳۲۶.
۱۳. همان/ ۳۲۹.
۱۴. همان/ ۳۳۰-۳۳۳.
۱۵. امام خمینی، صحیفه نور، ۷/ ۲۲۳-۲۳۳.
۱۶. ابن عربی، تفسیر قرآن کریم، ۱/ ۱۷۳.
۱۷. شرح حدیث جنود عقل و جهل/ ۲۶۶.
۱۸. صحیفه نور، ۱/ ۲۳-۲۴.
۱۹. کافی، ۱/ ۵۲، باب اصناف النوادر.
۲۰. شرح چهل حدیث/ ۳۱۱، حدیث ۲۳.
۲۱. همان، پاورقی/ ۳۳۳، به نقل از کافی، باب نوادر، ح ۲.
۲۲. صحیفه نور، ۱/ ۲۳۳-۲۴۲.
۲۳. همان، ۷/ ۱۹۱-۱۹۳.
۲۴. همان، ۱/ ۲۴۸-۲۵۲.
۲۵. همان، ۷/ ۱۸۶-۱۸۷.
۲۶. همان، ۱۲/ ۲۱۱-۲۱۸.
۲۷. همان، ۷/ ۲۱۳-۲۱۴.
۲۸. مجموعه آثار (۱)، نامه‌های عرفانی/ ۹۹ و ۱۰۷.
۲۹. همان/ ۲۵۹.

